

نقد بیانیه اعلیحضرت در مورد کوبانی

کارزار بین المللی و تجزیه ایران

«درود میفرستم بر تمام اهالی کوبانی و از همه هم میهنان میخوام که منتهای پشتیبانی خودشان را از وضعیت بحرانی که در آنجا هست از خودشان نشان بدهند و در حمایت از دوستان گردمان در آنجا مراتب هوشیاری و همسویی خودشان را بنمایش بگذارند. رضا پهلوی «

نقد بیانیه

بیانیه متضمن دو موضوع است یکی در رابطه با اهالی کوبانی و دیگری در رابطه با کردهای عراقی که در کوبانی با نیروی داعش در حال جنگند

نخست در رابطه با اهالی کوبانی

بیانیه از هم میهنان خواسته که منتهای پشتیبانی خودشان را از وضعیت بحرانی که در کوبانی هست نشان بدهند.

وضعیت بحرانی که در کوبانی هست چیز مطلوبی نیست که ایرانیان از آن پشتیبانی کنند. وضعیت بحرانی به وضع غیرطبیعی و غیرمعمول اطلاق میشود مثل حالت جنگ و قحطی و یا زلزله و از جمله همین وضع کوبانی، وضعیت کوبانی، وضعیت محکوم کننده است وضعیتی همراه با قتل و تجاوز و غارت و ویرانی و کمبود خوراک و بارزه نگرانی و وحشت، این چنین وضعیتی چه جای پشتیبانی دارد؟

بیانیه میبایست وضعیت موجود در کوبانی را محکوم میکرد نه حکم پشتیبانی میداد حکم پشتیبانی میتوانست از مردم کوبانی باشد نه وضعیت کوبانی.

در بیانیه بان کی مون که بمناسبت وضعیت کوبانی منتشر شده آمده حملات گروه داعش به شهر کوبانی موجب آوارگی و کوچ شهروندان این شهر گردیده که با نگرانی شدید دنبال میشود» (۱۵ مهر ۹۳)

در بیانیه بان کی مون، ملاحظه میشود که هم عامل وضعیت بد مردم کوبانی یعنی گروه داعش معرفی شده و هم آوارگی و کوچ شهروندان کوبانی بخشی از وضعیت آن شهر توصیف گردیده است؛ حساسیتی که در بیانیه اعلیحضرت مفقود است.

کاملاً قابل درک است که نظر اعلیحضرت محکوم کردن وضعیت حاضر در کوبانی است ولی اینکه شخصیت های سیاسی و مقامی، که اعتبار کلامشان گسترده در شخصیت سیاسی و اجتماعی آنهاست، در بیان کلمات احتیاط بیشتر میکنند و مطلب مورد نظرشان بوسیله کارشناسان مسئول تنظیم و با توجه به آثار آن در اختیار آن شخصیت قرار میگیرد برای همین است که واژه ها ستون نیت و قصد و کلام است

واژه ها خود ستون گفتارند این کفایت بود ز قول و مفعول

و اگر درهم بود، تعارض داشت، قابل تفسیرهای ناموجه بود و یا بطریقی حتی ضمنی ایجاد حق توام با ابهام علیه منافع ملی مینمود و امثال آنها زخمی بر شخصیت گوینده باقی میگذارد. که گاه آن شخصیت ناچار میشود عذرخواهی کند (نمونه = بایدن در مورد اظهارات اخیرش در مورد قطر و عربستان) و یا آثار آن زخم را برای ابد تحمل کند (نمونه - گردش دربیانات اعلیحضرت).^۱

قول و فعل بی تناقض بایدت تا از این در راه ها بگشایدت

در حالیکه افراد عادی که شاخصی از شخصیت نیستند اهمیتی به توازن در کلام و آثار آن نمیدهند. متأسفانه اعلیحضرت در نقش وحد کامل زیر افراد عادی به شخصیت خودشان توجه ندارند.

اثر شناختن شخصیت، یک امر خصوصی نیست گمراهی در شناخت شخصیت متاثر بر عدم شناخت نقش دیگران هم خواهد شد سنائی در این امر فلسفی، بی‌تی دارد که چنین است.

هر که اونقش خویش نشناسد نقش دیگر کسی چه بشناسد

در تطبیق مورد، اعلیحضرت که نقش قانونی و هویتی خودشان را نمیشناسند نمیتوانند متحول فعالیت سیاسی بشوند که قائمه آن بر شخصیت افراد طرف مبارزه است.

مقام و شخصیت، وابسته به آن چیزی نیست که شخص برای خود قائل شود، همانطور که شاه نمیتواند ترک مقام کرده و درویش بشود، درویش هم نمیتواند ادعای شخصیت پادشاهی کند، همانقدر که دومی مسخره است اولی هم خیلی بیشتر فکاهی است.

مقام راقانون و سنت و فرهنگ میدهد، بی اعتنائی به آن بی اعتنائی به حاکمیت و سنت و اعتبار ملی است و بهیچوجه بی اعتنائی به آن، سالب مسولیتها و تکالیف مصرحه در قانون نمیشود. مولوی این مهم را در بی‌تی زیبا چنین آورده است.

قطره دریاست اگر بادریاست ورنه او قطره است و دریا دریا

نشان دادن پشتیبایی

بیانیه این تکلیف را برای ایرانیان مقرر کرده که پشتیبایی خودشان را از وضعیت بحرانی کوبانی نشان بدهند.

سوال اینجاست که پشتیبایی به چه چیزی گفته میشود و نشان دادن آن چگونه ممکن است؟

پشتیبایی یعنی کمک کردن و مدد رساندن و حمایت کردن و امثال آنها.

^۱ - این نگرانی از زمانی که اعلام شده است دفتر سیاسی ایسان وارد موضوع «رسانه ای» داشتن برنامه تلویزیونی خواهد شد چندین ده برابر شده است و بدون شک زخمی که بر شخصیت اعلیحضرت و خاندان مرتبط با ایشان خواهد گذاشت جبران نا پذیر و غیر قابل برگشت خواهد بود. ح-ک

اهل فلسفه کمک و حمایت کردن را بردونوع دانسته اند یکی حمایت زبانی و دیگری مادی.

حمایت زبانی، مانند رای مثبت دادن، شهادت دادن و یا سخن گفتن درباره شخص و یا موضوعی که مورد حمایت است مانند همین بیانیه اعلیحضرت یک پشتیبانی زبانی است.

نمونه بارز پشتیبانی زبانی همین صلوات است که اهل تشیع ایران دانا میفرستند که به خدا تکلیف میکنند که خدایا به محمد وال او درود بفرست یعنی از امثال سید علی که هزاران در ایران هستند پشتیبانی زبانی بکند.

کمک و حمایت زبانی، تعارف است مثل دعا میماند که کسی میگوید <التماس دعا دارم> یا <خدا خیرت بدهد> و امثال آنها؛ ولی آنکه میگوید: <بده در راه خدا> یعنی کمک زبانی نمیخواهم کمک مادی میخواهم.

کمک و مساعدت و مدد کاری خاصه ترحم، یکی از خصائص انسانی است که حتی نسبت به دشمن هم متوقف شدنی نیست چنانکه در کنوانسیون ژنو، مساعدت و کمک به افراد زخمی و اسیر طرف خاصه هم تکلیف شده است. تنها در حقوق اسلامی است که زخمی های طرف مقابل جنگ رها میشوند تا بمیرند و اسرا هم اگر جوان و یا قابل فروش نباشند گردن زده میشوند.

بنابراین پشتیبانی و حمایت امری نیست که نیاز به امر و امر داشته باشد همان احساسی که در اعلیحضرت در پشتیبانی از مردم کوبانی هست در همه ایرانیان هم هست زیرا ترحم و کمک به درمانده یک احساس عاطفی و طبیعی انسان هاست و فقیر و غنی نمیشناسد.

پشتیبانی در نوع مادی آن حائز اهمیت و پایگاه امید و موجب تبدیل احساس پشتیبانی به فعل و عمل میشود.

مانند کسانی که داوطلب خدمت در بیمارستان های زمان جنگ و یا خدمات اجتماعی میگردند، و یا با پرداخت پول امکان پشتیبانی عملی نسبت به درماندگان نیازمند به لباس و خوراک و درمان و امثال آنها را فراهم میسازد.

امروزه کمک و مدد رسانی فقط بصورت مادی مطرح است و بسیاری صحبت از مدد و کمک میکنند ولی کمک آنها از میدان حرف خارج نمیگردد چنانکه در کنفرانس توکیو ۱۶ میلیارد برای کمک به افغانستان از سوی ۷۵ کشور اعلام تعهد شد که بنابر اعلام کرزی فقط مقدار بسیار ناچیزی از آن تادیه گردید و کشورها به تعادیری متوسل شدند.

نمایش گذاشتن پشتیبانی

واقفا فکر کنیم چگونه بنده نوعی میتوانم در اجرای خواست اعلیحضرت پشتیبانی خود را از مردم کوبانی بنمایش بگذارم؟

مقاله نوشتن پشتیبانی است؟ و برای مردم درمانده کوبانی آب و لباس میشود؟ یا بیانیه اعلیحضرت سبب مرحم گذاری بر زخم ها و بیچارگی بی امان مردم آن سامان میشود؟ البته که خیر مدد و پشتیبانی با شل کردن سرکیسه ممکن است و راه دیگری هم ندارد.

ایرانیها به دست بزرگترها نگاه میکنند و آنطور عمل میکنند؛ بیت <اگر زیباغ رعیت ملک خورد سیبی - برآوردن غلامان اودرخت از بیخ> میخواید بگوید که ایرانی ها به عمل شاه تاسی میکنند.

هنگام افتتاح بانک ملی، اولین حساب جاری و سپرده بوسیله رضاشاه کبیرپایدار شد و بعد به استقبال گسترده مردم انجامید اگر رضاشاه بزرگ درخواست پشتیبانی از تاسیس بانک را از صحبت پشتیبانی به فعل پشتیبانی تبدیل نمیکرد بانک ملی برقرار نمیشد.

مسعود سعد جمله زیبایی ثابت شده ای در این مورد دارد که گفته:

<مردم قیاس کار نوازشه کنند>

پشتیبانی از مردم درمانده کوبانی با بازکردن حسابی در کمیسیون حقوق بشرسازمان ملل بنام کمک مالی ایرانیان به مردم کوبانی و با پرداخت اولین مبلغ کمک بنام اعلیحضرت و خاندان سلطنتی بیانیه را از حالت تعارف به صورت واقعی درمیآورد، همانطور که امضای اعلیحضرت و علیاحضرت و همسرشان پای قطعهنامه تجزیه ایران (ماده ۱۱) قطعهنامه را از حالت انشاء به حالت اعلام رضایت درآورد، آیا اگر قطعهنامه تجزیه ایران امضای اعلیحضرت را نداشت کسی جرات داشت که مدعی ۲۰ هزار امضا پای آن قطعهنامه بشود؟

در بیانیه بان کی مون بتاريخ سه شنبه ۱۵ مهرماه سال ۹۳ در رابطه با کوبانی آمده است: <از کلیه کسانی که امکانات لازم را دارند میخواهم برای کمک به مردم محاصره شده کوبانی اقدامات فوری انجام دهند> و خود سازمان ملل هم در اقدام عملی برای کمک به مردم کوبانی بلافاصله وارد عمل شد.

در سایت بالاترین دیدم که از اعلیحضرت نقل قول شده که <هرکس ۱۵۰۰۰ دلار به شورای ملی!! کمک کند یک قرآن آریامهر به او داده میشود> این را میگویند نمایشی از پشتیبانی عملی ولی بیانیه ای که صحبت از کمک مادی ندارد نمایشی و مجازی است.

قسمت دوم - در رابطه با کردهای عراقی

در بیانیه از ایرانیان خواسته شده <در حمایت* از دوستان کردمان در آنجا* مراتب هشیاری* و همسوئی* خودشان را بنمایش بگذارند>

این قسمت از بیانیه را نمیتوان بدون توجه به سوابق از جمله ماده ۱۱ قطعهنامه تجزیه ایران و همچنین موافقت نامه بین ریاست شورای ناپیدا و اپوزیسیون کوبا به نقد و تفسیر آورد.

عبارت بیانیه بشرحی که آورده شده <در حمایت از دوستان کردمان در آنجا، مراتب هشیاری و همسوئی خودشان را بنمایش بگذارند> واجد مقصود مشخص و آشکاری نیست و بایستی با تفحص و تجزیه تحلیل به حقیقت آن دست یافت.

زنجیره در کارهای سیاسی

فعالیت های سیاسی مانند حلقه های زنجیربهم پیوسته است و برای آشنائی با مسیر و هدف یک حرکت سیاسی باید به دانه های اول زنجیر رجوع کرد تا معلوم شود که سر زنجیر به کجا و چرا وصل است و به عبارت آشنا باید به سوابق موضوع رجوع کرد.

واژه های کلیدی

واژه های کلیدی که قفل تجزیه تحلیل قسمت دوم بیانیه اعلیحضرت را تا حدودی باز میکند اینهاست:

- ۱- قطعنامه شورای تجزیه طلبان (ماده ۱۱)
- ۲- موافقت نامه همکاری های سیاسی بین ریاست شورای تجزیه طلبان و اپوزیسیون کوبا!
- ۳- واژه های (*دوستان گردمان در آنجا)- (*حمایت از آنها)- ([همسوئی و هشیاری)

درباره نقش قطعنامه شورای تجزیه طلبان بحثی لازم نیست چرا که در گذشته این کار شده و در مسیر تجزیه و تحلیل قرار گرفته و به اثبات رسید که قطعنامه مزبور ریشه فعالیت تجزیه طلبی ایران است، و موافقت نامه با اپوزیسیون کوبا و بیشتر همین بیانیه حمایت از کردها در ارتباط عملی و اجرایی با همان ماده ۱۱ قطعنامه است.

ارتباط بیانیه با موافقتنامه اپوزیسیون کوبا

در موافقت نامه اپوزیسیون کوبا آمده است:

«به آگاهی میرساند که شورای ملی ایران یک کارزار بین المللی با هدف ایجاد اتحاد بین اپوزیسیون های آزادیخواه کشورهای که از رژیم دیکتاتوری رنج میبرند آغاز شده است»

یعنی شورای تجزیه طلبان ایران وارد کارزار بین المللی شده است با آن هدف که با اپوزیسیون های آزادیخواه کشورهای جهان از جمله کردهای عراقی همکاری و همسوئی داشته باشد!! «موش به سوراخ نمیرفت جاروبه دمش بسته بود».

معرفی کردهای... در بیانیه

لازمه استحکام نسبی این تحریر آشنائی با موقعیت کردهای عراقی است.

کسیکه با مادر خود زنا کند

ضرب المثل کسی که به مادر خود زنا کند با دیگران چه ها کند کاملاً در رابطه با کردهای عراقی مصداق دارد آنان بد سابقه ترین اقوام در تجزیه کشور خودشان و بد نام ترین کسانی هستند که به استقبال آمریکائی ها در حمله به عراق رفتند و این عبارت بسیار زننده از کردهای عراق است که گفتند «ماشلوار سربازان آمریکائی را گرو میگیریم که نتوانند از کردستان بروند».

با آنکه در قانون اساسی کشور عراق حقوقی برای آنان از جمله انتخاب رئیس جمهور از کردها مقرر شده و ۱۷ میلیارد دلار از درآمد عراق به آنان اختصاص داده شده تا وحدت ملی آن کشور محفوظ بماند این

قوم نوکرسفت بد سگال اهل عراق به همان قانون اساسی هم تمکین نکرد و نمیکند و از اطاعت قانون و حکومت مرکزی سرباز زده است و به اشغال مناطق نفتی عراق و فروش آن به اسرائیل مشغول است!

★ سپهبد عبدالامیرالزیدی از فرماندهان ارتش عراق گفت: کردها به کرکوک حمله کرده و آنرا متصرف شده اند. مسعود بارزانی هم گفت کرکوک منطقه نفت خیز عراق متعلق به کردستان است و آنرا تحویل نمیدهیم.^۲ (جمعه ششم تیرماه سال جاری)

★ ملا بختیار یکی از اعضای برجسته اتحادیه میهنی کردستان عراق در سخنرانی که در همین ماه های اخیر در سلیمانیه تشکیل شده بود گفت: «اگر شرایط استقلال برای کردها پیش آید و ما اعلام استقلال نکردیم ملت کرد میتواند مارا دادگاهی کند. استقلال کردستان تا ۱۰ سال دیگر بطور حتم اتفاق خواهد افتاد»

★ روزنامه العربیه در ۲۶ ژوئن ۲۰۱۴ نوشت «استقلال کردستان موضوعی حتمی خواهد بود و اسرائیل اولین کشوری خواهد بود که آنرا برسمیت بشناسد. نخست وزیر اسرائیل از جدائی کردستان عراق حمایت کرد و گفت: «ما باید از آرمان جدائی منطقه کردستان حمایت کنیم (رویترز ۸ تیرماه).»^۳

★ خبرگزاری رویترز به نقل از مسئولان پرسابقه در سازمان اطلاعات اسرائیل (موساد) گزارش داده اند که همکاری کردستان و اسرائیل هم اکنون به مرحله آموزش نظامی کردها در شمال عراق رسیده است و کردها متقابلاً بنفع اسرائیل در عراق و ایران جاسوسی میکند. روابط اسرائیل و کردستان عراق به امور نظامی محدود نشده و نفت کردستان عراق مستقیماً به اسرائیل فرستاده میشود.

★ تلویزیون پرس تی وی در برنامه ناصر العمری نویسنده و کارشناس مسائل اعراب و اسرائیل گفت ۱۵۰۰۰۰ هزار کرد در اسرائیل زندگی میکنند، از سال ۱۹۴۸ که اسرائیل تشکیل شد زمان بن گوریون شخصیت دوم صیهونیسیم در جهان، روابط اسرائیل با کردهای عراق پا گرفت. در سال ۲۰۱۴ بنیامین نتانیاهو از استقلال کردها و تشکیل کشور کردستان حمایت کرد.

بی تردید استقلال کردهای عراق برای کشورهای منطقه بویژه ایران و ترکیه مسائل جدی بوجود خواهد آورد

★ روزنامه اوینه که در کردستان عراق منتشر میشود نوشت: «فلاح مصطفی مسئول روابط خارجی منطقه کردستان عراق در گفتگوی با «کلیفورد مایو» روزنامه نگار آمریکائی روزنامه نیویورک تایمز، منطقه کردستان عراق را اسرائیل دوم خواند!» (۲۳ خرداد ۱۳۸۹)

دوستان گرد مان

۲ - خواننده بایستی بتواند گمانه بزند که اگر طبق ماده ۱۱ منشور (قطعنامه) شورای به اصطلاح ملی، خودگردانی و آزادی عمل به کردها داده شود و مورد «حکومت غیر متمرکز» جاری شود چه فاجعه ای در ایران، بر سر چاه های نفت و پالایشگاه ها رخ خواهد داد.. ح-ک

۳ - رادیو اسرائیل سی سال است در این راه می کوشد- آقای مناشه امیر و خانم فرنوش رام مرتباً در راستای دستور سازمان موساد و رهنمود های وزارت خارجه اسرائیل در هر موقعیتی جدایی خواهی و تجزیه کشور های منطقه به ویژه عراق و ایران را تشویق می کنند. ح-ک

دوستان کردمان در بیانیه اعلیحضرت، همین کردهای عراقی تجزیه طلب هستند که رابطه بسیار نزدیک و تنگاتنگ با کردهای تجزیه طلب ایران دارند، و اکنون بخشی از آنان با ماموریت بیگانه در کوبانی فعالند. در مقابل این حقیقت تلخ که مورد تائید بسیار قرار گرفته، مبنی بر اینکه استقلال کردستان عراق سبب جدائی کردستان ایران هم خواهد شد، چر باید بیانیه، گردان عراقی را دوستان ما بنامد؟ اعلیحضرت که در قبول دوستی و ارادتمندی ایرانیان آنقدر خسیس و حساسند که هر که حرف ایشان را گوش نکند جایگاهی در مقام دوستی ایشان ندارد به چه حسابی کردهای استقلال طلب عراقی را دوست معرفی میکنند؟

دوست، یعنی یک روح در دو قالب. یعنی کسی که دائما مد نظر دوست است. دوست کسی است که رنج خود را برای راحتی دوست میپذیرد، آیا این خصوصیات در سابقه تاریخی و حاضر کردهای عراقی وجود دارد که بیانیه از کیسه خلیفه بخشش کرده است.

دوست ان باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و در ماندگی

بیان نامه در این محور آشکار، کردهای استقلال طلب عراق را دوست و همسو شناخته است که آنها هم متقابلا در تجزیه ایران و ایجاد کردستان مستقل از ایران کمک و حمایت کنند. کارزار بین المللی که در موافقت نامه اپوزیسیون کوبا آمده یعنی همین که عرض شد.

دوستی و همسویی با اشخاص، در ردیف تکالیف و امور الزامی نیست که مورد حکم بیانیه قرار گرفته است، ایرانیان حق دارند دست دوستی بطرف کسانی که با کشور خودشان زنا میکنند دراز نکنند بلکه دستهای دراز شده را هم قطع کنند.

بیانیه بکل از چارچوب آزادی خارج و در مسیر آمریت همراه با هوی و هوس فردی جریان یافته است. حکم بیانیه که ایرانیان راملزم به همسویی با کردهای عراقی کرده در مفهوم تجهیز آنان به تجزیه کشور ایران است! چنین حکمی نهایت محکومیت و بی انصافی نسبت به میهن را با خود دارد و هر ایرانی میهن پرستی را آشفته و در مقام مقاومت قرار میدهد.

واژه هشیارانه که در بیانیه جا خوش کرده واجد این مفهوم است که ایرانیان بیدار و هشیار باشند که اگر از کردهای عراق حمایت نکنند، آنها هم از تجزیه ایران حمایت نخواهند کرد. اینجاست که باید گفت خوشا باغی که شغال از آن قهر کرده باشد.

آزمایشی بفرمائید

برای اینکه اعلیحضرت قانع شوند که بیانیه ایشان نه تنها با استقبال ایرانیان اصیل روبرو نیست بلکه بسیار هم تاسف بار و منزجر کننده است پیشنهاد مینماید:

در اجرای کارزار بین المللی که در موافقت با اپوزیسیون کوبا اعلام فرموده اند، یک قدم عملی بسیار کوچک و سطحی را در رابطه بابیانیه اخیر بتدبیر بیاورند و آن اینکه از گروه ۲۰ هزار نفری! مریدان خودشان

در تجزیه ایران بخواهند که یکنفر از میان مریدان، عملا داوطلب شرکت و همکاری بادوستان! عراقی که در کوبانی میجنگند بشود.

این گوی و این میدان. تنها چیزی که حقیقت را از میان انبوه فرضیات و اوهام بیرون میکشد تبدیل ادعا و حرف به عمل است.